



## تلگرامیزه کردن افکار

پیش از عصر تلگرام تنها افرادی که حس دغدغه مندی و دانستن و فهمیدن در آنها سو سو میزد به سراغ مطالعه میرفتند...

شما در یک مهمانی خانوادگی اقلیت صاحب فکر و مطالعه داشتید و اکثریت بدون مطالعه... نه صاحب فکر فخر فروشی میکرد و نه افراد عام بی مطالعه ادعای دانستن زیاد داشتند... افراد با ذهن های نسبتا خالی از مفاهیم و گزاره ها، در درون به ندانستن خود آگاهی داشتند، هرچند شاید جرات گفتن «ما نمی دانیم» و «روح جست و جوگری» برای دانستن را نداشتند اما جای شکرش باقی بود که کمتر در مقابل اهل علم



جرات حکم صادر کردن داشتند چون به ندانستن خود  
واقف بودند...

در عصر پساتلگرام این دسته از افراد از روی تفریح  
عکس نوشت های جذاب را میخوانند و ساعت ها  
محتوای بسیاری را که نویسنده مشخصی ندارد  
مطالعه میکنند چه بسا حجم مطالب خوانده شده آنها  
در روز به یک کتاب برسد!

انباشت داده ها در ذهن باعث میشود که «سندروم  
خود آگاه پنداری» این افراد ترشح کند. حالا گزاره آنها  
به «من میدانم» عوض شده اما در واقع به مصداق «آن  
کس که نداند و نداند که نداند» تبدیل شده اند و کمتر  
حاضر به شنیدن و قبول کردن نظرات مخالف و علمی  
هستند چون فکر میکنند بیشتر از دیگران مطلع اند...



حالا در مهمانی ها فرد صاحب ارج و مقام کسی است که در گروه ها و کانال های بیشتر ، اطلاعات صحیح و غلط و دست و پاشکسته بیشتری در دست داشته باشد و چه فخر فروشی ها که نمیکند! حالا اهالی اندیشه و علم بیش از پیش گوشه نشین شده اند چرا که مخاطبان آنها کسانی هستند که در «جهل مرکب» اند... این همان تلگرامیزه شدن است، معجونی از سطحی نگری، خودآگاه پنداری و تنبلی بیشتر در مطالعه.

احتمالا «عصر تلگرام» ابتدای گسترش شکاف بین نخبگان جامعه و مردم و دوری بیشتر از «عصر اندیشه» خواهد شد.

عبدالرضا هادی زاده

۹ دی ۹۴

